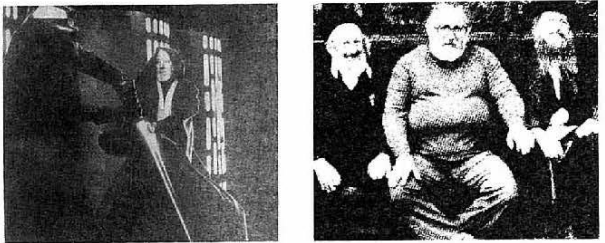


چشم انداز

"چشم انداز" بخش تازه‌ای از مجله است که در حاشیه و متن رویدادهای سینمایی دنیا گام می‌زند و نگاهی است غریب‌ری به این رویدادها، یادداشت‌هایی که شاید مبنای برخی از آنها در محدوده "سینمای آه" بگذرد، اما گاه به‌تفسیر و نظر نزدیک می‌شود و قالی دیگری از این گونه، می‌طبلد.



● بیم و امید سر جو نثونه

سرچلگونه، پذیر و سترن اسکاکی ایتالیا، به‌تازگی با فیلم روزی روزگاری در امریکا شهرت فراموش شده خود را بازیافته است و در مصاحبه‌هایی که این روزها با مطبوعات می‌کند، تک و نوک حرفهای سنگینی می‌زند. نثونه (که در ۱۹۶۴ فیلم پر فروش "بخاطر یک مشت دالر" را به‌عنوان بازیگر بومیجی می‌گروموا ساخت) نسبتی با خبرنگار سینمایی مجله اکونومیست، فیلمسازانی را که از تلویزیون تقلید می‌کنند خواری می‌شمارد و با بیم و امید از آینده سینما سخن می‌گوید:

"این سستوشی مغزی که با سریالهایی مثل داینستی و دالاس راه افتاده، واقعا مرگ نگران کرده است. اینها چیزهایی را که فقط و فقط شایع است به خورد مردم می‌دهند و برای آنها به عقل می‌گذارند و نه قدرت تشخیص خوب و بد. دست آخر، سینما هم برای این‌که بتواند خودش را با این غریزای وقت بدهد، فیلمهایی تولید می‌کند که شبیه سریالهای تلویزیونی است. بعد هم می‌زند و یکی از این فیلمها پنج تا اسکار می‌گیرد؛ مثل همین فیلم "شرایط دوست داشتن

Terms of Endearment

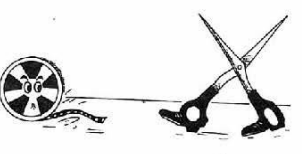
اما فکر می‌کنم به جوانی می‌شود امید بست. چنان مشتقی به سینما پیدا کرده‌اند که از عشق ما هم بالاتر زده. در رم، ما یک جریان سینمایی فوق‌العاده داریم، برای دو سه ماه روزی چهار تا فیلم در محل "سیرک بزرگ رم" نشان می‌دهند و هر دفعه حدود چند هزار نفر آنجا جمع می‌شوند. معتقدم جوانی احساس نمی‌کند که نمی‌خواهند گذرانند سینما سپرد. آخر، این تنها سبک‌تری است که برای ما باقی مانده. امیدوارم که جوانها با دفع پاکت تلویزیون، روح زندگی را به سینما برگردانند."

دادستان، اندیس و کاموبایل را منتم کرده بود که در جریان فیلمبرداری بین‌المللوین، برای پرشوکنه کردن انفجار یک دهکده، بمبها را زودتر از موعد منفجر کرده و باعث سقوط مرکبای هلی‌کوپتری که طبق داستان فیلم قرار بود در آخرین لحظه از دهکده بگریزد، شداند. کاموبایل مدعی بود که طبق فیلمنامه و دستور کارگردان پیش رفته است و تصور از خلبان بوده که توانست بخوبی مانور کند. و کارگردان در جواب ادعا می‌کرد که چون کاموبایل در یک چنین فیلمی همکار بوده، او به‌عنوان کارگردان نقش جدیدی نمی‌توانست داشته باشد: "هلی‌کوپتر که قرار بود بمبها را فراری بدهد، تازه رسیده بود و در دهکده ویتنامی‌ها و فیلمنامه می‌گفت که با رد شدن بمبها باید منفجر شوند. اما چیم که خیلی هیجان‌زده بود، یک مرتبه به من گفتم: هی، جان، می‌خواهی چریش کنم؟ و من تا آدم بگویم نکن، بمبها در حال خراب و هلی‌کوپتر که مطنش کنده شده بود، مدعی مثل آدمهای گیج خود خودش خرید، و بعد سقوط کرد."

● سوپر گرل

وقتی کریستوفر ریو سوپرمن صحنه را ترک می‌کند، هلن پلتر سوپرگرل جای او را می‌گیرد و با نشانای سوپرمان شما پاور شواید کرد که یک دختر هم می‌تواند پرواز کند! یکی از آگهی‌های تبلیغاتی فیلم سوپرگرل (که ترجمه آن به فارسی سره می‌شود "ابر دختر") با این جمله شروع می‌شود: "ظاهر تپه‌بند کنده امیدوار بوده است که آدمهای زیادی را برای دیدن چگونگی پرواز یک دختر به سینماها بکشد. فیلم اما به‌دلیل ضعف پرداخت و کمبود تزیینات، چنان‌که انتظار می‌رفت نتوانسته است در امریکا خوب کار کند. اما، جالب است که واپنئی‌ها با آغوش باز به استقبال این فیلم رفتند (در شب اول نمایش در شش سینمای توکیو، ۶۴۳۲۹ دالر فروش کرد).

قدرت نکتته قابل توجهی سوپرگرل اینست که آن تنها جسمانی فوق طبیعی را که تا بحال در انحصار قهرمانان مرد سینما بوده به یک دختر خوش قلب بیست ساله می‌دهد. زنهای البته، پیش از این به نقش خون‌شامان و جن‌زدگان ظاهر شده‌اند و قدرت شیطانی و پراکنگر خود را به ظهور رسانده‌اند. داستان فیلم، همان قصه قدیمی "قابله" سادهمینانه خیر و شر است که جزء لاینفک این نوع فیلمها بشمار می‌رود. زلتار (بیتل آتلز)، فرمانروای ساره، ارگوسیتی است. نیروی حیاتی این تمدن فضاپی را برتری کوچکی به‌نام اگندهورن نامی می‌کند که بر اثر سهل‌انگاری گارا (پروین گرل) توسط محافظ دور سیاره را می‌شکند و برای فضاپی لانتهایی نابود می‌شود. گارا برای یافتن گوی به زمین برمی‌گردد و در آنجا با ساحرهای بنام سلتا (فی) دادبای، که گوی را به‌دست آورده، دست و پنجه نرم می‌کند و سرانجام به برکت ملاحیهای پیچیده و قلب طلایی آن بیروز می‌شود.



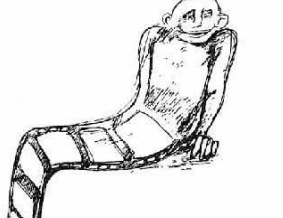
● بحران در سینمای برزیل

سینمای برزیل دچار بدترین بحران عمر خود شده است. اول مردم کمتر به سینما می‌روند (در سه ماهه اول اسدال نسبت به مدت مشابه سال قبل بیست و پنج میلیون بلیط فروخته شد). شمار سینماها از ۲۲۰۰ واحد در ۱۹۷۸ به ۱۶۰۰ واحد در ۱۹۸۴ کاهش یافته است و دولت، زین فشار مشکلات روزافزون اقتصادی، کمک به صنعت سینمای ملی را قطع کرده است. در همان حال، قانون جدید سانسور، تنهه کنندگان را که برای جلب مشتری بیشتر، به سکس و خشونت پناه برده‌اند نالیدتر کرده است.

قانون جدید سانسور، در مقایسه با مقررات قبلی، نامرتب است و بیشتر بر توصیه تأکید دارد تا بکفر و بند. طبق این قانون، فیلمها به سه دسته تقسیم می‌شوند: "نامناسب برای اشخاص کمتر از ۱۴ سال"، "نامناسب برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال" و "پورنوگرافیک" یا "به‌شدت خشونت‌آمیز". اضافه بر این، مقامهای مسئول می‌توانند بدین برخی از فیلمهای سکسی و خشونت‌زبان را برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال "منوع" کنند و، ضمناً، طبقه‌بندی درجه‌ای برای فیلمهای افراد شازده، ده و پنج ساله در قانون جدید حذف شده است.

فیلمها به نوع پروانه نمایش می‌گیرند: عمومی، خاص، و محدود. پروانه عمومی برای فیلمهای معمولی است که نمایش آنها عیب و ایرادی ندارد. پروانه خاص مربوط به فیلمهای هنری و روتنگرافماند است که در مکان‌های خاص - نظیر سینمکولوها - نشان داده می‌شوند. و پروانه "محدود" را فقط برای فیلمهای پورنو و سراسر خشونت صادر می‌کنند و زمان و محل نمایش این نوع فیلمها محدود است. مطلقاً اگر یک فیلم برزیلی چنین پروانه‌ای بگیرد نمی‌تواند از سه‌ماهه نمایش ۱۴ روزه در برزیل استفاده کند (نمایش‌روش سه‌ماهه بندی در سایر کشورها، مدت نمایش فیلم‌های خارجی و داخلی مشخص شده و هدف از این روش تقویت سینمای ملی بوده است.)

امیرافیلیم، شرکت تعاونی تولید و پخش فیلم برزیل که فعالیت آن متکی به دولت است، در شرایط فعلی سخت استاب دیده است. با قطع کمک دولت، صندوق امیرافیلیم ته‌کننده و این موسسه پرتنایکو که نقش مهمی در صنعت فیلم برزیل داشته در آستانه از هم پاشیدن قرار گرفته است. امیرا فیلمه بویست هزار دالر حداقل به یک میلیون و دوست هزار دالر نیاز دارد. زوربوتو پاریرا، مدیر کل این موسسه، پیش‌بینی می‌کند: "وضع چنان خراب است که فکر نمی‌کنم در یکی دو ماه آینده حتی بتوانیم حقوق کارمندان خود را بپردازیم."



● لیخند یونانی

ضرب‌المثلی است که کریه و خنده یونانی‌ها را باید جدی گرفت -ریسه- این برداشت شاید به گذشته‌های دور این قوم فیلسوف پرور برگردد که هم حکم گریان داشته‌اند و هم حکم خندان. به هر حال، لیخندی که اخیراً بر لبان بخش کنندگان فیلم و سینمادارهای یونان نقش بسته، کالا "جدی و حساب شده است. وزارت بازرگانی یونان تصویب کرده است که قیمت بلیت سینماها ۱۵ تا ۵۰ درصد بالا برود. براساس این تصمیم، بهای بلیت سینماهای درجه یک در شهرهای بزرگ آتن، پیرائوس، تسالونیک و پاتراس ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و به ۱۵۰ درخما (۱/۳۰ دالر) یا کمی بیشتر از دوازده تومان) می‌رسد. فیلمهایی که از ۳ هزار متر بلندتر هستند، مهال ۱/۲۴ دالر عزیز شده و بلیت سینماهای درجه دو و سه از ۱۰۵ تا ۱۲۵ درخما در نومان است. در همین حال اجازه داده شده که بلیت این سینماها در فصل تابستان بین ۱۱۵ تا ۱۲۵ درخما باشد.

دولت یونان با این استدلال که سینما یک وسیله تفریح عمومی است و نباید گران تمام شود، در سال ۱۹۸۱ جلوی افزایش قیمت بلیت را گرفت. هماهوی سینمادارها و پخش‌کنندگان که بلند شد، دولت در سال گذشته پذیرفت که به‌دلیل پایین آمدن ارزش پول کشور، قیمت بلیت سینماها درجه یک حداکثر تا ۱۲۰ درخما بالا برود. اما افزایش فعلی - که به هر حال، هرچند اندک، نشانگران همراه شده - سه سپاس شربین است و امید ماندگاری را به صنعت فیلم برزای داده است.

سینمادارها، حالا در پی آن هستند که مالیات بلیت را هم به‌نحوی پایین بیاورند. می‌گویند که پس از کسر مالیات، حدود ۳۰ درصد مابقی را مالک سینما برمی‌دارد، تا ۳۵ درصد بلیت آنها مالیات تعلق نمی‌گیرد، گران و نامدلانه به‌نظر می‌رسد. مدیران سینماها می‌گویند که پس از کسر مالیات، حدود ۳۰ درصد مابقی را مالک سینما برمی‌دارد، تا ۳۵ درصد آن می‌توان هزینه‌های جاری سینما را پرداخت. در لاجماعی که فراتر است برای بررسی و تصویب به مجلس یونان خواهد رفت. سینمادارها و پخش‌کنندگان خواستار گسختن دامادی شده‌اند که اجازه می‌دهد مقداری از مالیات فروش بلیت، به تعمیر و نوسازی سینماها اختصاص پیدا کند.



● چند فیلم متفاوت

ویدئو فقط میدان ناخ و ناز شوهای بی‌سر و ته، فیلمهای پورنو، و ملودرامهای سبک نیست (هرچند که اکثر بینندگان ویدئو را طرفداران این نوع فیلمها تشکیل می‌دهند). کمپانی‌های معروف فیلمساز و پخش فیلم، که جایای خود را در بازی‌ها و ویدئو نیز محکم کرده‌اند، بسیاری از فیلمهای خود را روی نوار ویدئو به بازار عرضه می‌کنند. و در این میان، آثاری به‌عجیب می‌خورد که می‌توانند نشانگر مشکل پسند ویدئو را اندکی راضی کنند. چند نمونه از آخرین فیلمهای خوب و منوطی که به بازار آمده‌اند (همراه با نام کارگردان و پخش‌کننده) در اینجا می‌آوریم:

● مجازات

اینها، البته، فیلمهایی هستند که رسماً و به‌طور قانونی روی ویدئو آمده‌اند. وگره شبکه جهانی سرعت فیلمها و تبدیل آنها به ویدئو چنان فغال و متبکر است و به‌قدری سریع عمل می‌کند که گاهی دیده می‌شود نوار ویدئویی فیلمی به‌طور بی‌قصدی از روی می‌گذرد. اما، از سبک غیرقانونی به‌علاوه تکثیر بی حد و مرمز فیلمهای ویدئو، در همه جای دنیا بی‌حساب نیست و قانون کپی رایت از حقوق صاحب اصلی اثر گاهی به‌نحوی دفاع می‌کند. در امریکا هر کس که بدون اجازه از روی یک فیلم ویدئو کپی بردارد، به‌من پنج سال زندان و ۲۵ هزار دالر جریمه، بلی را باید انتخاب کند. در انگلستان مجازات تکثیر غیرقانونی فیلم ویدئو، دو سال زندان و جریمه‌ای است که به‌تشیخ رئیس دادگاه تعیین می‌شود. سکتترین کبیر، اما، در استرالیا است. در این کشور هر کس گوی را بزدرد، دو سال به زندان می‌رود و باز کردن مغازه در روزهای تکثیر غیرقانونی فیلم ویدئو، ۵۰ هزار دالر جریمه دارد. اما اگر کسی را به‌عاطر تکثیر غیرمجاز مثلاً فیلم "فنی" بگیرند، فقط ۱۵۰ دالر استرالیا جریمه می‌شود!